

عنوان مقاله:

تحلیل نظری عشق از منظر برخی از فیلسوفان و متفکران مسلمان مکتب مشاء و اشراق

محل انتشار:

هفتمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، تاریخ و تمدن (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

سهیلا محقق - دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف-آباد، ایران

محبوبه خراسانی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف-آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف-آباد، ایران

خلاصه مقاله:

عشق پدیده ای است که در عالم آفرینش ناشناخته است و با اینکه تعریف های زیادی برایش ارائه شده، اما هنوز در نهایت خفاست. لیکن نویسندگان، شاعران، عرفا، فیلسوفان و پژوهشگران نوشتن در این باب را رها نکرده اند. فیلسوفان مسلمانی چون ابن سینا و سهروردی که هر کدام پایه گذار مکتب های اسلامی مشاء و اشراق هستند و دیگر پیروان آنها، درباره عشق نظریه هایی داده اند که سرچشمه مباحثشان به فیلسوفان یونانی می رسد. در این تحقیق سوال این است که تعریف عشق که از مفاهیم اصلی مربوط به ادبیات غنایی است، در فلسفه چه جایگاهی دارد؟ چه شباهت هایی در نظریه های این فیلسوفان در باب مفهوم عشق می توان یافت؟ کدام مولفه هایی که در کنار واژه عشق در متون فارسی آمده است، کمکی به بهتر شناختن مفهوم عشق می کند؟ و در پایان اینکه این نظریه های فلسفی با عشق زمینی چگونه ارتباط می یابد و اساسا آیا می توان مسیر درست عاشقانگی را از این مباحث دریافت؟ روش تحقیق این مقاله تحلیل محتوای کیفی از نوع مضمونی است که به خوانش نظریه های بعضی فیلسوفان مسلمان می پردازد و با بازنگری تحلیل آنها از عشق به جمع بندی و تشابه نظر آنها در این باب می پردازد و به این نتیجه می رسد که عشق زمینی رابطه ای نزدیک با عشق فلسفی دارد، همچنین عشق در کنار مفاهیمی همچون لذت، قدرت، رنج و شادمانی معنا می یابد و خود به تنهایی قابل تفسیر نیست؛ چراکه در اصل عشق نوعی نیاز است و باید عمیقا درک شود.

کلمات کلیدی:

عشق فلسفی، عشق زمینی، فیلسوفان مسلمان، مکتب مشاء، مکتب اشراق

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1445664>

